

کابوس بزرگ بانک‌ها تکرار می‌شود!

هفته نامه اکونومیست پس از سقوط سه بانک آمریکایی در عرض یک هفته، در سرمقاله این هفته خود، ضمن پاسخ به این پرسش که «بانک‌ها چه مشکلی دارند؟»، به این موضوع پرداخته است. <br#۴۷>

به گزارش سایت خبری پرسون، در سرمقاله شماره ۱۸ مارس ۲۰۲۳ هفته‌نامه اکونومیست، آمده است که بانک سیلیکون‌ولی از معافیت‌های عجیب و غریبی برخوردار بود و رگولاتورها باید از سال پیش‌رو برای ایمن‌تر کردن سیستم استفاده کنند. بانکداران از وضع قوانین بیشتر متنفر خواهند بود اما سپرده‌گذاران نباید با ترسی زندگی کنند که فکر می‌کردند سال‌ها پیش به تاریخ سپرده شده است.

فقط ده روز پیش احتمالاً فکر می‌کردید که بانک‌ها پس از کابوس بحران مالی در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۹ اصلاح شده‌اند اما اکنون مشخص است که آنها هنوز هم قدرت ایجاد یک ترس مهیب را دارند. یک هجوم بانکی در بانک سیلیکون‌ولی در ۹ مارس منجر به فرار ۴۲ میلیارد دلار سپرده در یک روز شد. SVB تنها یکی از سه وام‌دهنده آمریکایی بود که در عرض یک هفته سقوط کرد. رگولاتورها در آخر هفته به سختی کار کردند تا یک بسته نجات طراحی کنند. با این حال، مشتریان بار دیگر می‌پرسند که آیا پول آنها امن است یا خیر.

سرمایه‌گذاران ترسیده‌اند. تاکنون ۲۲۹ میلیارد دلار از ارزش بازار بانک‌های آمریکا در این ماه کاهش یافته است یعنی یک کاهش ۱۷ درصدی. بازدهی اوراق خزانه کاهش یافته و بازارها اکنون بر این باورند که فدرال رزرو در تابستان کاهش نرخ بهره را آغاز خواهد کرد. قیمت سهام بانک‌ها در اروپا و ژاپن نیز کاهش یافته است. بانک کردیت سوئیس که با مشکلات دیگری هم روبه‌رو است، در ۱۵ مارس شاهد کاهش ۲۴ درصدی سهام خود بود و در ۱۶ مارس اعلام کرد که برای تقویت نقدینگی از بانک مرکزی وام خواهد گرفت. چهارده سال از بحران مالی می‌گذرد و بار دیگر سؤالاتی در مورد اینکه بانک‌ها چقدر شکننده هستند و اینکه آیا رگولاتورها در مخمصه افتاده‌اند، در حال چرخیدن هستند.

زیان تحقق نیافته؛ یک خطر نادیده گرفته شده

فروپاشی پرسرعت SVB یک خطر نادیده گرفته شده در سیستم را فاش کرد. زمانی که نرخ‌های بهره پایین و قیمت دارایی‌ها بالا بود، این بانک کالیفرنایی اوراق قرضه بلندمدت را خریداری و انباشته کرد. سپس فدرال رزرو نرخ بهره را با شدیدترین سرعت خود در چهار دهه اخیر افزایش داد که به دنبال آن قیمت اوراق قرضه سقوط کرد و بانک با زیان هنگفتی روبرو شد. قوانین سرمایه آمریکا اکثر بانک‌ها را ملزم نمی‌کند که درباره کاهش قیمت اوراق قرضه ای را که قصد دارند تا زمان سررسید نگه دارند، پاسخگو باشند. فقط بانک‌های بسیار بزرگ ملزم هستند که ارزش دارایی‌های خود (مثل اوراق بهادار) را با توجه به قیمت فعلی آن در بازار ثبت کنند. اما همانطور که بانک سیلیکون‌ولی نشان داد، اگر یک بانک متزلزل شود و باید اوراق قرضه را بفروشد، زیان محقق نشده، محقق می‌شود.

در سراسر سیستم بانکی آمریکا، این زیان‌های شناسایی محقق نشده بسیار زیاد است: حدود ۶۲۰ میلیارد دلار در پایان سال ۲۰۲۲. خوشبختانه، بانک‌های دیگر هنوز از لبه‌ی پرتگاهی که بانک سیلیکون‌ولی بر آن ایستاده بود بسیار دور هستند اما افزایش نرخ بهره سیستم را آسیب پذیر کرده است.

بحران مالی ۲۰۰۷-۰۹ نتیجه وام‌دهی بی‌پروا و رکود مسکن بود. بنابراین، مقررات پس از بحران عمدتاً به دنبال محدود کردن ریسک اعتباری و تضمین این بود که بانک‌ها دارایی‌هایی را در اختیار داشته باشند که خریدار دارد. بنابراین آنها بانک‌ها را تشویق به خرید اوراق قرضه دولتی کردند. به هر حال هیچ کس قابل اعتمادتر از عمو سم (نماد دولت فدرال آمریکا) نیست و فروش هیچ چیز در زمان بحران، آسان‌تر از اوراق خزانه نیست.

سال‌های متمادی تورم و نرخ‌های بهره پایین به این معنی بود که افراد کمی به این فکر می‌کردند که در صورت تغییر جهان و کاهش ارزش اوراق قرضه بلندمدت، بانک‌ها چه آسیبی خواهند دید. این آسیب‌پذیری در زمان پاندمی کرونا جدی‌تر شد زیرا سپرده‌ها به بانک‌ها سرازیر شدند و محرک‌های فدرال رزرو نقدینگی را به سیستم پمپاژ کردند. بسیاری از بانک‌ها از این سپرده‌ها برای خرید اوراق قرضه بلندمدت و اوراق بهادار رهنی با ضمانت دولت استفاده کردند.

ممکن است فکر کنید که زیان‌های تحقق نیافته مهم نیست. یک مشکل این است که بانک اوراق قرضه را با پول شخص دیگری، معمولاً یک سپرده، خریداری کرده و نگهداری اوراق قرضه تا سررسید مستلزم تطبیق آن با سپرده‌ها است. با افزایش نرخ بهره‌ها، رقابت برای سپرده‌ها افزایش می‌یابد. در بزرگترین بانک‌ها، مانند جی پی مورگان چیس یا بانک آمریکا، مشتریان چسبیده هستند، بنابراین افزایش نرخ‌ها به لطف وام‌های با نرخ شناور باعث افزایش درآمد آنها می‌شود اما در مقابل، تقریباً ۴۷۰۰ بانک کوچک و متوسط با مجموع دارایی‌های ۱۰.۵ تریلیون دلاری باید به سپرده‌گذاران پول بیشتری بپردازند تا مانع از خروج پول آنها شوند. این امر حاشیه سود آنها را کاهش می‌دهد که به توضیح اینکه چرا قیمت سهام برخی بانک‌ها سقوط کرده است کمک می‌کند.

مشکل دیگر، بر بانک‌ها در هر اندازه‌ای که باشند تأثیر می‌گذارد. در یک بحران، سپرده‌گذاران زمانی وفادار می‌توانند فرار کنند و بانک را مجبور می‌کند که خروج سپرده‌ها را با فروش دارایی‌ها پوشش دهد. اگر چنین باشد، زیان بانک متبلور خواهد شد.

این چشم انداز نگران کننده توضیح می‌دهد که چرا فدرال رزرو در آخر هفته گذشته، سخت کار کرد. فدرال رزرو آماده است تا وام‌های تضمین شده در برابر اوراق قرضه بانک‌ها را بدهد. همچنین آمده است تا وام‌هایی تا سقف ارزش اسمی اوراق ارائه دهد که برخی از این اوراق بلندمدت می‌توانند تا بیش از ۵۰ درصد بالاتر از ارزش بازار ارزش‌گذاری شود. بنابراین زیان تحقق نیافته اوراق قرضه بانک دیگر نمی‌تواند باعث سقوط شود. و این بدان معناست که سپرده‌گذاران بانک هیچ دلیلی برای هجوم بانکی ندارند.

فدرال رزرو حق دارد در برابر وثیقه خوب وام دهد تا از هجوم بانکی جلوگیری کند اما چنین شرایطی، هزینه خواهد داشت. آنها با ایجاد این انتظار که فدرال رزرو ریسک نرخ بهره را در یک بحران به عهده می‌گیرد، بانک‌ها را تشویق به رفتار بی پروا می‌کنند. برنامه اضطراری قرار است فقط یک سال به طول بینجامد، اما حتی پس از اتمام آن، بانک‌هایی که برای سپرده‌ها رقابت می‌کنند، با ریسک‌های بیش از حد به دنبال بازدهی بالا خواهند بود و برخی از سپرده‌گذاران با دانستن اینکه فدرال رزرو یک بار وارد عمل شده است، دلیل زیادی برای تمایز قائل شدن بین ریسک خوب و بد نخواهند داشت. بنابراین رگولاتورها باید از سال پیش، رو برای ایمن تر کردن سیستم استفاده کنند.

یک مرحله حذف بسیاری از معافیت‌های عجیب و غریبی است که برای بانک‌های متوسط اعمال می‌شود. در واقع بسیاری از قوانینی که پس بحران مالی ۲۰۰۸ ایجاد شده بودند، در میان لابی‌های فراوان در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ لغو شدند. نجات سپرده‌گذاران در بانک سیلیکون‌ولی نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران فکر می‌کنند چنین بانک‌هایی خطرات سیستماتیک دارند. اگر چنین باشد، آنها باید با قوانین حسابداری و نقدینگی مشابه مگابانک‌ها روبرو شوند مانند اروپا؛ و ملزم شوند برنامه‌های خود را برای حل و فصل منظم، در صورت شکست، به فدرال رزرو تسلیم کنند.

رگولاتورها در همه جا باید رژیمی را ایجاد کنند که خطرات ناشی از افزایش نرخ بهره را تشخیص دهد. بانکی که زیان‌های تحقق نیافته دارد، در طول یک بحران بیشتر از بانکی که چنین زیان‌هایی نداشته باشد، در معرض خطر شکست قرار دارد. با این حال، این تفاوت در سرمایه مورد نیاز منعکس نمی‌شود.

بانکداران از ایده حفاظ سرمایه بیشتر (حفاظ سرمایه یا capital buffer، یک سرمایه اجباری است که مؤسسات مالی موظفند علاوه بر حداقل سرمایه مورد نیاز، آن را نگه دارند) وضع قوانین متنفر خواهند بود. اما دستاوردهای ایمنی آن بسیار زیاد است. سپرده‌گذاران و مالیات دهندگان از سیلیکون‌ولی تا سوئیس با ترس بزرگی روبرو هستند. آنها نباید با ترس زندگی کنند که فکر می‌کردند سال‌ها پیش به تاریخ سپرده شده است.